

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در

پانسکو



هو العزيز



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود- ویرایش دوم

۱۰ بهمن ۹۵

با جستارهایی از:

محمد آقاسی، علیرضا آقاییوسفی، ریحانه اصلان زاده، سیدمهدی اعتمادی فرد، آرمین امیر، حسین ایمانی جاجرمی، یاسر باقری، عبدالله بیجرانلو، ناصرالدین-علی تقویان، سمیه توحیدلو، مجتبی توسل، حمیدرضا جلایی پور، ریحانه جوادی، محمدرضا جوادی یگانه، ابراهیم حاجیانی، مهدی حسین زاده فرمی، هادی خانیکی، سیدمحمد مهدی خوبی، مجتبی دلیر، حسین راغفر، جبار رحمانی، محمد مهدی رحمتی، مهدی روزخوش، سعیده زادقناد، احسان سلطانی، احسان شاه قاسمی، غلامرضا صدیق اورعی، رضا صفری شالی، عباس عبدی، حامد طالبیان، حمید طاهری، فاطمه سادات علمدار، فردین علیخواه، موسی عنبری، غلامرضا غفاری، محمدجواد غلامرضا کاشی، محمد فاضلی، نعمت الله فاضلی، مقصود فراستخواه، جولان فرهادی بابادی، ناصر فکوهی، مجید فولادیان، سید احمد فیروزآبادی، محمدامین قانع راد، علی قنبری، محمدرضا کلاهی، مسعود کوثری، رضا مختاری اصفهانی، علیرضا مشهدی زاده، محمد معماریان، مهدی منتظری مقدم، نوح منوری، سیدجواد میری، سیدعبدالامیر نبوی، آرش نصر اصفهانی، عباس نعمتی، سیدضیاء هاشمی، سیده راضیه یاسینی.

با مقدمه: سیدرضا صالحی امیری

به کوشش:

محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیجرانلو



۱۳۹۵



عنوان و نام پدیدآور	جستارهایی در پلاستیک/ به کوشش محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو. با مقدمه سیدرضا صالحی امیری.
مشخصات نشر	تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۵۲۱ص.
موضوع	بلاها -- جنبه‌های جامعه‌شناختی.
موضوع	رسانه‌ها و افکار عمومی.
موضوع	مسائل اجتماعی -- ایران -- تهران.
موضوع	مدیریت بحران -- ایران -- تهران.
موضوع	بلاها -- آینده‌نگری.
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۵ ج ۲ / ۵۵۳ HV
	وضعیت فهرست‌نویسی فیبا
	رده‌بندی دیویی
	۳۴۷/۳۶۳

جستارها





پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
به کوشش: محمدرضا جوادی یگانه، جبار
رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو.
با مقدمه: سید رضا صالحی امیری، وزیر
فرهنگ و ارشاد اسلامی
صفحه‌آرا: وحید لنجان‌زاده
روی جلد: از مجموعه «ایستاده در غبار»،
اصغر خمسه. خبرگزاری مهر.

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@ric.ir

فهرست مطالب

پلاسکو از آغاز تا پایان ۷

مدیریت و سیاست شهری

- گزارش ملی پلاسکو / محمد فاضلی ۱۵
- پیام پلاسکو / سید ضیاء هاشمی ۲۵
- مدیریت شهری و درس های پلاسکو / حسین ایمانی جاجرمی ۳۱
- تحلیلی آسیب شناختی بر موقعیت بحران های کالبدی شهر / ناصر فکوهی ۳۵
- ماجرای «پیک نیک» و جامعه شناسی «پلاسکوها» / موسی عنبری ۴۳
- فروپاشی پلاسکو نماد فروپاشی الگوی توسعه شهری / محمد امین قانع راد ۴۹
- آتش پلاسکو روشن است! مگر... / مجتبی توسل ۵۷
- فاجعه ساختمان پلاسکو و درس هایی که نمی آموزیم / حسین راغفر ۶۵
- مسئولیت شهرداری در حادثه پلاسکو / علیرضا مشهدی زاده ۷۱
- مدیریت فرسوده / سید عبدالامیر نبوی ۷۹
- خوب، بد، زشت: درس های پلاسکو / محمد مهدی رحمتی ۸۷
- هزینه های استهلاک و بی توجهی به آن در پلاسکو / غلامرضا صدیق اورعی ۹۷
- ساختارهای خالق حادثه ساختمان پلاسکو / احسان سلطانی ۱۰۳
- آتش پلاسکو؛ احیاگر مشکلات تاریخی ایرانیان / رضا مختاری اصفهانی ۱۱۱
- چتری برای پلاسکو / یاسر باقری ۱۱۹
- قربانیان نامرئی پلاسکو / آرش نصر اصفهانی ۱۲۹
- عدم توازن امنیت حیات ایرانی / مهدی حسین زاده فرمی ۱۳۵

فرهنگ و جامعه

- ۱۴۳ پرسش پلاسکو / نعمت‌الله فاضلی
- ۱۵۵ پلاسکو و امر نمی‌دانم / سیدجواد میری
- ۱۶۱ با پلاسکو می‌توان «جامعه در آغوش خطر ایران» را اسکن کرد / جلالی پور
- ۱۶۹ ققنوس پلاسکو و تکوین مقوله «مردم» در غیاب حکمرانی کارآمد / جبار رحمانی
- ۱۷۵ ساختمان پلاسکو و احساس بی پناهی مردم / محمدجواد غلامرضا کاشی
- ۱۸۷ حادثه ساختمان پلاسکو و فرهنگ اعتماد / غلامرضا غفاری
- ۱۹۵ ظرفیت سرمایه اجتماعی و واقعه پلاسکو / سید احمد فیروزآبادی
- ۲۰۳ اعتماد؛ کلید جامعه خود-ترمیم‌گر / فردین علیخواه
- ۲۰۹ پلاسکو و نشانه‌شناسی یک ازدحام / مقصود فراستخواه
- ۲۱۵ پلاسکو، یادگیری و آگاهی ملی / ابراهیم حاجیان
- ۲۲۵ بررسی زمینه‌های بحران پلاسکو با تأکید بر منزلت اجتماعی / مهدی اعتمادی‌فرد
- ۲۳۳ ساختمان پلاسکو و اهمیت آموزش مهارت‌های زندگی / مجتبی دلیر

اخلاق اجتماعی و خلیقات ایرانی

- ۲۴۳ آیا مردم هم در فروریختن پلاسکو مقصرند؟ / محمدرضا جوادی یگانه
- ۲۵۱ حادثه پلاسکو و فرهنگ عمومی / محمدرضا کلاهی
- ۱۶۲ حادثه پلاسکو و مظنونان همیشگی: «مردم» / مهدی روزخوش
- ۲۷۱ تقدیرگرایی، گم‌گشتگی آینده، و ظهور فاجعه پلاسکو / مجید فولادیان
- ۲۷۹ همه ایرانی‌اند، بعضی‌ها ایرانی‌ترند / آرمین امیر
- ۲۸۹ پلاسکو، فقدان همدلی در زیست جمعی ایرانی / علی قنبری
- ۲۹۹ آیا آنها گوسفندند؟ / فاطمه سادات علمدار
- ۳۰۹ فرایند اندیشه نسلی؛ آنچه که انجام می‌دهیم / مهدی منتظری‌مقدم
- ۳۱۷ مناسک پلاسکو / سعیده زادقناد

رسانه‌های جمعی و اجتماعی

- ۳۲۷ پلاسکو: سیلی سخت فاجعه / مسعود کوشری
- ۳۴۱ تصویری از رسانه‌ای شدن یک حادثه / هادی خانیکی
- ۳۴۷ درباره روایت رسانه ملی از واقعه ساختمان پلاسکو / سیدمحمد مهدی خوبی
- ۳۵۵ ۱۲۴ دقیقه تعلیق / محمد معماریان
- ۳۶۵ اختلال رسانه‌ای و نقص جامعه‌پذیری / عباس عبدی

- ۳۷۱ مصیبت به منزله درنگی برای آینده / سمیه توحیدلو
- ۳۸۱ پلاسکو در ذهن مردم فروریخت / عباس نعمتی و حمید طاهری
- ۳۸۷ درس‌های فاجعه پلاسکو برای تلویزیون ایران / عبدالله بیچرانلو
- ۳۹۵ سرکشی تحمل‌ناپذیر نمادها / ناصرالدین علی تقویان
- ۴۰۵ که نه خاطر تماشا، نه هوای باغ دارد / ریحانه جوادی
- ۴۱۷ حادثه ساختمان پلاسکو و افکار عمومی / رضا صفری شالی
- ۴۲۵ اختلال جمعی / علیرضا آقاییوسفی
- ۴۳۳ سلفی‌بگیران پلاسکو / احسان شاه قاسمی
- ۴۴۱ خوش‌حالی‌ها و خوش‌بختی‌های رسانه ملی / نوح منوری
- ۴۴۷ فاجعه پلاسکو: امکان بسیج اجتماعی و نقش رسانه‌ها / حامد طالبیان
- ۴۵۵ شوک درمانی افکار عمومی و دیگر هیج / محمد آقاسی
- ۴۶۱ کنش سیاسی و عکاسی از فاجعه / ریحانه اصلانزاده

برای آینده

- ۴۷۱ از فروریزش نماد مدرنیته تا برساخت فرهنگ رشادت / سیده راضیه یاسینی
- ۴۸۱ علاج واقعه / جولان فرهادی بابادی

فرهنگ و جامعه



با پلاسکو می توان «جامعه در آغوش خطر ایران» را اسکن کرد

حمیدرضا جلایی پور
دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

شناخت دردهای مزمن «جامعه»، مثل شناخت دردهای مزمن «بدن»، کاری مشکل و «چندتشخیصی» است و پاسخی واحد و قطعی ندارد. پزشکان، در جریان معاینه بدن بیمار، ابزارهای مؤثری مثل آزمایش، رادیولوژی، سونوگرافی و ام.آر.ای دارند، دقیق‌تر می‌بینند و دقیق‌تر «اسکن» می‌کنند، ولی جامعه‌شناسان از ابزارهای آزمایشگاهی برای تشخیص دقیق دردهای جامعه، برخوردار نیستند. البته جامعه‌شناسان از وسائل دیگری برای تشخیص استفاده می‌کنند، ولی متأسفانه اکثر این ابزارهای رصد اجتماعی در ایران، رخصت پرورده‌شدن پیدا نکرده است. با این‌که «اسکن پلاسکو»، خبر از بیماری پرهزینه «بی‌مسئولیتی و غفلت نهادی» در جامعه ایران می‌دهد، اما فکر می‌کنم فاجعه پلاسکو

می‌تواند به‌مثابه ابزاری به تشخیص و اسکن دردهای مزمن جامعه نیز ایران کمک کند. پرسش این است که چرا از طریق فاجعه پلاسکو، می‌توان جامعه را «اسکن» کرد؟

ماهیت اسکن‌گونه

توجه به چهار نکته در فاجعه پلاسکو، ماهیت «اسکن‌گونه» فاجعه پلاسکو را نشان می‌دهد:

نخست، این رخداد بسیار غیرمنتظره بود. هیچ فرد و سازمانی روز قبل از واقعه، فکر نمی‌کرد فردا در تهران ساختمانی عظیم فرو خواهد ریخت، ده‌ها آتش‌نشان و تعدادی از شهروندان خواهند سوخت، چهارصد مغازه و چهار هزار شغل در عرض چند ساعت دود خواهد شد و به هوا خواهد رفت و ۶۰۰ میلیارد تومان پوشاک شب عید نابود می‌شود؛ اما فاجعه رخ داد. دوم، مردم هم‌دلی نشان دادند و سازمان‌های مربوط دولتی و حکومتی تلاش خودشان را برای مهار آتش و کم‌کردن خسارت انجام دادند، اما شاهد «ناتوانی جمعی» در برابر این رخداد بودیم. سوم، از بدو شروع فاجعه، میلیون‌ها ایرانی شاهد وقوع این رخداد بودند و فضای مجازی با هم‌دردی و هم‌اندیشی و نگرانی برای رخداد پلاسکو همراه شد. به بیان دیگر، این فاجعه در یک نقطه کور رسانه‌ای رخ نداد تا چند روز بعد، بخشی از مردم از طریق خبر رسانه‌های رسمی از آن مطلع شوند، فاجعه پلاسکو در برابر چشمان میلیون‌ها نفر اتفاق افتاد و بخشی بزرگ از جامعه، آن را به شکل زنده «تجربه» کرد و چهارم، ساختمان پلاسکو تنها نیست، صدها ساختمان و پروژه، حتی با ابعاد وسیع‌تر در ایران وجود دارد که محتمل است به سرنوشت پلاسکو دچار شوند، سرنوشتی که دیگر نباید برای ما غیر منتظره باشد.

در تبیین چرایی وقوع این رخداد، توجه به چهار نکته فوق در فاجعه



با پلاسکو می توان «جامعه در آغوش خطر ایران» را اسکن کرد | ۱۶۳

پلاسکو، به ما کمک می کند که بحث خود را درباره جامعه ایران، هم بین الاذهانی تر و هم تجربی تر پیش ببریم و با تبیین و تحلیل خود درباره بیماری های مزمن جامعه ایران، روشن گرتتر حرف بزنیم.

تبیین فاجعه پلاسکو

به نظر من، چهار علت بنیادی و سه علت کوتاه مدت، توضیح دهنده فاجعه پلاسکو و پلاسکوهای دیگر است.

اول: آموزش های ضروری برای تربیت شهروند مدنی و مسئولی که از وقوع چنین رخدادهای جان کاهی پیشگیری می کند و در واکنش مناسب به آن ماهر باشد، در ایران بسیار ضعیف است؛ هم در خانواده ها، هم در همه سطوح تحصیلی در مدارس و دانشگاه ها، هم در صدا و سیمای ملی، هم در رسانه های مستقل و هم در محیط های کار دولتی و خصوصی. دانش آموزان و دانشجویان ایران، صدها ساعت درباره مضامین ایدئولوژیک، آموزش می بینند ولی حتی یک ساعت هم آموزش مؤثر داده نمی شوند که چه طور اصول ایمنی ضد آتش در خانه و محل کار و شهر را بیشتر رعایت کنند و چگونه به سوانح شهری پاسخ دهند، حتی در این حد که برای ماشین آتش نشانی راه باز کنند

دوم: علت بنیادی «امکان وجود نوسازی قلابی» است. نوسازی، امری نوگرایانه است که رنگ و بوی کارایی، استحکام، قدرت، راحتی و زیبایی دارد و امری مثبت تلقی می شود، اما نوسازی در جوامع امروز بر انواع نوسازی قلابی و نوسازی اصیل قرار دارد، همچنین فرایند «نوسازی مخلوط» در خاستگاه تجربه نوسازی، یعنی کشورهای غربی نیز مشهود است. ولی در کشورهای غیر غربی در «فرایند مخلوط نوسازی» وجه قلابی آن بیشتر از وجه اصیل اش مشهود است. به همین دلیل، در جوامع مدرن به خصوص در پنج دهه گذشته، یکی از وظائف مهم «نهادی» حکومت ها، جامعه مدنی، عرصه عمومی، رسانه های



مستقل و جنبش‌های اجتماعی، مبارزه پیش‌گیرانه با «نوسازی قلبی» در فرایند نوسازی جامعه است.

جامعه ایران، جامعه‌ای در تلاش برای مدرن‌شدن است و بیش از صدسال است که کشور ما در معرض پروژه‌های نوسازی قرار گرفته است. ساختمان پلاسکو یکی از نمادهای مدرنیته در دهه چهل بود. فروپاشی این سازه، دو امکان منطقی را به ما نشان می‌دهد: یکی این که ساختمان پلاسکو از ابتدا ایمن ساخته نشده و دیگر این که این ساختمان، از ابتدا تا امروز ایمن نگه داشته نشده است. در هر دو صورت، نوسازی‌ای که پلاسکو، یکی از نمادهای اصلی آن بود «نوسازی قلبی» بود و موارد مشابه این نوسازی در مکان‌های دیگر ایران قابل ردیابی است.

سوم: عامل جدی نگرفتن «نظارت نهادی» بر فرایند نوسازی در حکومت ایران است. نهادهای حکومتی، قدرت‌مندترین و فراگیرترین سرمایه‌های نهادی، در جامعه ایران هستند، ولی متأسفانه، نظارت نهادی در ایران به دو بخش «جدی» و «سست» تقسیم می‌شود. نظارت نهادی بر منتقدین فردی و منتقدان سازمانی، نظام نظارتی جدی و سخت‌گیرانه و بر بخش‌های دیگر جامعه «سست» و «سهل‌انگارانه» است. در جامعه ایران با اغلب نظارت‌های نهادی حکومت می‌توان «بازی» کرد و آن‌ها را دور زد. یکی از زمینه‌های فساد در ایران همین «دور زدن» نظارت نهادی در حکومت است. توجه کنید که حتی حاملان «نظارت نهادی جدی» در خارج از قلمروی کارشان می‌توانند به یکی از عوامل گسترش «نظارت نهادی سست» تبدیل شوند.

فروپاشی پلاسکو، به‌خوبی، سست بودن نظارت نهادی در ایران را نشان می‌دهد. اگر هر یک از نهادهای پرشماری که با این ساختمان تجاری سروکار داشته‌اند در نظارت‌شان جدی بودند، این فاجعه رخ نمی‌داد. مثلاً ساختمان، متعلق به بنیاد مستضعفان است که به‌راحتی می‌تواند نظارت نهادی را دور بزند یا صنف غالب در ساختمان



با پلاسکو می توان «جامعه در آغوش خطر ایران» را اسکن کرد | ۱۶۵

پلاسکو، لباس فروشان و پارچه فروشان بودند که بانفوذترین تشکل جمعی در میان این صنف، هیئت مذهبی منصور ارضی است یا رئیس آتش نشانی که دچار کمبود امکانات پیشرفته اطفای حریق (از جمله هلیکوپتر آپ‌پاش) است، نه به‌خاطر تخصص و لیاقت، که به دلیل نزدیکی به شهردار تهران منصوب شده است. در چنین بستری، نظارت نهادی حکومت می‌تواند به‌راحتی نادیده گرفته شود و ۲۰ بار تذکر شهرداری می‌تواند اصلاً به حساب نیاید.

چهارم: عامل ضعف «نظارت نهادی»، در جامعه مدنی ایران است. جامعه مدنی ایران، سه ویژگی مثبت دارد: اول، جامعه مدنی ایران، افراد و حاملان آگاه، ماهر و اخلاقی بسیار دارد. دوم در جامعه مدنی ایران، محافل و شبکه‌های اجتماعی قدرت‌مند، فعال هستند و سوم، «افکار عمومی» در این جامعه، نافذ و تأثیرگذار شده است. به رغم این سه ویژگی مثبت، جامعه مدنی ایران از لحاظ نهادی و سازمانی، در نظارت، همچنان ضعیف است. به بیان دیگر در جامعه مدنی ایران، رسانه‌ها، سمن‌ها، اصناف و تشکل‌های حرفه‌ای، قدرت نظارت مؤثر بر فرایند «نوسازی مخلوط» را ندارند. در نتیجه، بخش «نظارت نهادی» حکومت، خوب کار نمی‌کند و نظارت نهادی جامعه مدنی هم ضعیف است و توسط حکومت، ضعیف نگاه داشته می‌شود و وقتی در عرض ۲۰ سال، ساختمان پلاسکو ۲۰ بار «اخطار ایمنی» دریافت می‌کند هیچ اصلاح عملی صورت نمی‌گیرد.

به نظر می‌رسد چهار عامل بنیادی فوق، شرایط ساختاری شکننده‌ای را برای پروژه‌های قلابی فراهم می‌کند و چند عامل کوتاه‌مدت هم می‌تواند دست‌به‌دست هم دهد و فاجعه بیافریند: اتصال برق در میان انبوه پارچه و لباس در خود ساختمان پلاسکو، امکانات ضعیف نرم‌افزاری و سخت‌افزاری سازمان آتش‌نشانی و ازدحام مردمی که برای رویارویی با سوانح، آموزش جدی ندیده‌اند.



چرا فاجعه پلاسکو شبیه عکس «اسکن» جامعه ایران است؟

سال‌هاست گفته می‌شود جامعه ایران در معرض ریسک و خطر است و «زندگی در ایران، زندگی در آغوش خطر» است؛ جامعه‌ای که همیشه در معرض زلزله و سیل بوده است و در سال‌های اخیر با خطرات اکولوژیکی مثل کم‌آبی، خشک‌سالی و بیابان‌زایی نیز روبه‌رو شده است. مخاطرات صنعتی و بیماری‌های فزاینده ناشی از آن، به‌درستی شناسایی نمی‌شود. مخاطرات شهری و بین‌شهری مثل سازه‌های قلابی، ساختمان‌های فرسوده، بی‌حفاظی در برابر آتش‌سوزی و تصادفات بین جاده‌ای بیشتر شده است. از طرف دیگر، ما در زمینه پزشکی و مهندسی و بوروکراسی هم با فرایندهای «نوسازی مخلوط و مخاطره‌خیز» روبه‌رو هستیم. در جامعه در آغوش مخاطره ایران، ابزارهای رصدی که به شکل دقیق خطر را نشان بدهد، در فجایع پیش از پلاسکو، کم‌تر مورد توجه قرار گرفته‌اند. «خشک شدن دریاچه ارومیه» قبلاً پیش‌آمده بود، ولی مورد غفلت کثیری از نیروهای حکومتی و جامعه مدنی قرار گرفت، اما فاجعه پلاسکو و تداوم ده روزه آن با نظارت هم‌زمان میلیون‌ها ایرانی، روند خطرخیز «نوسازی مخلوط» در ایران را بیش‌تر و عمیق‌تر نشان می‌دهد؛ درست مثل اسکنی که وجود سلول‌های سرطانی را در بدن نشان بدهد و مرئی می‌کند.

چه باید کرد؟

پیش‌تر می‌گفتم، جامعه ایران، «کژمدرن» یا «مدرن بدقواره» است. امروز، اضافه می‌کنم که یکی از نشانه‌ها و جلوه‌های این بدقوارگی این است که جامعه ایران به شکل جدی در معرض «نوسازی مخلوط» قرار دارد و در آغوش خطر زندگی می‌کند. راه حل، قهرمان‌سازی و اسطوره‌سازی از نوع صدا و سیمایی نیست. جامعه ایران، به‌طور جدی به «تقویت نظارت نهادی» هم از سوی حکومت و هم از سوی جامعه



مدنی نیاز دارد و راه میان‌بر دیگری وجود ندارد. با نظارت قوی‌تر نهادهای حکومتی و مدنی (از جمله رسانه‌ها و انجمن‌های حرفه‌ای)، هم فاجعه پلاسکو قابل پیشگیری است، هم حقوق‌های نجومی، هم املاک نجومی، هم رشد بابتک زنجانی‌ها، هم بسیاری از سوانح جاده‌ای و هم حجم عظیم فرار مالیاتی بخشی بزرگ از شهروندان. هسته سخت قدرت، نباید نسبت به جامعه در آغوش خطر ایران، این قدر سست عمل کند (هم در خود حکومت و هم در جلوگیری از تقویت وجه نهادی جامعه مدنی).

همان‌طور که در مورد پلاسکو مشاهده کردیم، نظارت نهادی از سوی حاملان هسته سخت قدرت در حکومت، خواسته و ناخواسته دور زده می‌شود و نظارت نهادی در قلمروی وسیع حکومت را سست می‌کند. بهبود آموزش‌های عمومی برای تربیت شهروند مسئول و مدنی و بازگرداندن نظارت نهادی مستحکم در حکومت ایران، باید یکی از ویژگی‌های «برجام ملی» باشد.

تقویت فرایندهای فوق، ممکن است سال‌ها طول بکشد و حتی ناخواسته از سوی هسته سخت حکومت به تعویق بیفتد ولی این تأخیر، بار مسئولیت را از دوش جامعه مدنی ایران بر نمی‌دارد. جامعه در آغوش مخاطره ایران به نظارت نهادی جامعه مدنی نیاز دارد. تقویت نهادهای صنفی و حرفه‌ای و سمن‌ها ضروری است. صرف زنده بودن جامعه مدنی، کافی نیست، بلکه جامعه مدنی ضروری است و جوه سازمان‌یافته حرفه‌ای‌اش را تقویت کند.

آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و صدا و سیما، باید شهروندان جامعه را برای رویارویی با مخاطرات، آموزش دهند. نگاهی به برنامه‌های تولیدی صدا و سیما در ده روز اخیر که پلاسکو با آتش‌نشان‌ها در جلوی چشم میلیون‌ها ایرانی می‌سوخت، نشان می‌دهد این رسانه، مسئولیت خود را در برابر فرایند خطرخیز دائمی «نوسازی مخلوط و قلابی»



جدی نگرفته است. ضعف مفراط آموزش و پرورش و کارفرمایان بخش خصوصی در زمینه آموزش‌های لازم برای افزایش ایمنی ضد آتش هم مزید بر علت شده است. فاجعه پلاسکو می‌تواند زنگ بیدارباشی باشد برای تقویت همه عناصر نهادی ضروری برای افزایش ایمنی ضد آتش در ایرانی که سه چهارم شهروندانش شهرنشین شده‌اند و در ساختمان‌های نایمن کار و زندگی می‌کنند و نمی‌دانند چگونه از آتش‌سوزی پیش‌گیری کنند و در صورت وقوع آن سلامت بمانند.





فصلنامه علمی، پژوهشی و آموزشی
دانشگاه شیراز